

متن پرسش

موضوع؛ داوری داوری در سروش سروش. با سلام: جهان غرب و اتمام سودای حکومت بر ابناء بشری، در این برهه از تاریخ بشر، چیزی نیست که نیازمند برهان چینی و علت گشایی باشد، بروز نهیلیسم و پوچ‌گرایی در زندگی فردی و جمعی بشر برای هیچ کس پوشیده نیست وقتی نگاهی به تیتراخ اخبار جهان نظر کند، خودکشی چهره‌ای معروف و نامعروف، قتل و غارت و..... حاکی از آنست که امروز دیگر انسان از جهان تکنولوژی تصور چند دهه قبل را ندارد، چرایی در این رشد، مشکوک بوجود آمده است، که طرف مقابل تاب جوابگویی اش را ندارد، واقعا چه نیازی بود برای انسان که تکنولوژی که روزی باهدف افزایش آسایش و آرامش پذیرفته بود را با این چهره متفاوت از تبلیغات اش بپذیرد، در این میان که فیلسوفان تکنولوژی همچون سروش که عمری از ضرورت پذیرش این پدیده بظاهر انسانی بیاطن بس غیر انسانی، که خود گره می‌زند و راهکار گشودن گره می‌دهد، صرف کرده اند، تئوری پذیرش ارائه دهند تا حداقل پوچی ایی که در خود حس می‌کنند را به مصداق مخدری، تخدیر خویش کنند، لذا گفت «نمی‌توان بین مبانی دینی به خصوص دین اسلام و پیشرفت‌های فناورانه تکنولوژی آشتی برقرار کرد» و چون نمی‌شود و از طرفی لازمه زندگی تکنولوژی است، پس کفه بطرف علوم، سنگینی دارد، در مقابل این تفکرات دکنتر داوری ها نیز موضع دارند، مواضعی که راهکار انتخاب کمیتی نیست، که خرد و عقل و دل را در استیصال انتخاب ناسره از سنگینی کفه ها ترازو مجبور کند، راهکاری است اتحادی! نه پس زدن بلکه اصلاح کردن! لذا در کتاب خود فرمود «برای برهم زدن نظام توسعه نیافتگی آموختن علم، فلسفه، ادب و پرداختن به پژوهش لازم است اما کافی نیست شاید از این راه بتوان به ظواهر توسعه دست یافت اما برای استوار کردن بنیاد توسعه، رسوخ در تفکری که بنای توسعه بر آن است، شرط است. خرد سیاسی در زمان توسعه نیافتگی، ص ۴۱» رسوخی که با خود باید کرد نه تجدد و خودبازی! و نه برای پذیرفتن او بلکه درک ضرورت او.... البته که این میزان به کام آنان خوش نخواهد آمد، چه خوش گفت مولانا «تا نگردي او ندانی اش تمام / خواه او نور باشد یا ظلام» آنانی که در اصل با فلسفه ملاصدرا در جنگ بودند نهایتا با رهبری ولایت فقیه مخالف شدند و قهرا با ملت و امت مخالف خواهند شد، چرا که اساس نظر ایشان در غروب غرب و ظلمات اش، پایه عقل را بر خود دروغین اومانيسم بنا کرده اند نه خود بندگی!

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همین‌طور است. به همین جهت می‌توان فکر کرد راه حل حقیقی، حضور

«در جهان بین دو جهان» است که ذات انقلاب اسلامی رسالت تحقق آن را دارد و اتفاقاً در شرح کتاب «خرد سیاسی در زمان توسعه‌نیافتگی» تأکید بر نکاتی از آن کتاب شد که معلوم گردید جناب آقای دکتر داوری به موارد ظریفی ماورای جهان توسعه‌نیافتگی نظر دارند. موفق باشید